

بسم الله الرحمن الرحيم

تبیین جهان‌شمولی آموزه‌های قرآن با رویکرد تحکیم ارتباط زوجین در خانواده

نگارنده: ندا هراتی اردستانی

کارشناسی ارشد رشته تفسیر قرآن کریم

دانشکده علوم و فنون قرآن کریم تهران

چکیده

ارتباط سالم و صمیمی زوجین در محیط خانواده از ضروریات استحکام خانواده و نیل به کمال فردی و اجتماعی است. در جوامع مختلف سبک و شیوه‌های متعددی برای ارتباط همسران مطابق با ادیان، آداب و رسوم و فرهنگ‌های مختلف وجود دارد. اسلام به‌عنوان یک دین جهان‌شمول و اهمیت جایگاه خانواده در قرآن، الگو و سبک ویژه‌ای جهت نیاز عاطفی و مودت بین همسران دارد که باید مورد توجه و تبیین قرار گیرد تا جوانان از آموزه‌های کاربردی آن به‌عنوان الگویی مناسب بهره گیرند و آن را در زندگی خود عینیت بخشند. از این رو به‌منظور تحکیم و تقویت ارتباط زوجین و نجات زندگی زناشویی از جدایی عاطفی به‌عنوان یکی از معضلات جوامع فعلی در مقاله پیش رو با روش توصیفی و تحلیلی به تبیین آیات مربوطه پرداخته تا راهکارهای مناسب به این منظور ارائه شود.

واژگان کلیدی: ارتباط زوجین، تحکیم خانواده، جهان‌شمولی قرآن، مودت

مقدمه

سازمان خانواده مهم‌ترین نهاد بنیادین جامعه‌ی بشری است که می‌تواند کارکردهای مثبت، سازنده و بی‌بدیل در ابعاد گوناگون حیات فردی و اجتماعی انسان داشته باشد و در کسب موفقیت‌ها و شکوفایی استعدادها و ارتقاء سلامت و بهداشت روانی فرد و جامعه بسیار تأثیرگذار باشد ولی این نهاد ارزشمند با تأثیرپذیری از تحولات اجتماعی با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوع مواجه شده و در سطح جهانی تزلزل کانون خانواده و ناپایداری و آشفتگی روابط و تعاملات اعضای خانواده به‌ویژه همسران را در پی داشته و سبب بروز پیامدهای ناگواری چون شکل‌گیری روابط نابسامان و افزایش آمار طلاق، شده است. بازگشت همه‌جانبه به معارف اصیل قرآن و عترت و بازتعریف نظام خانواده، شرط لازم برای بازسازی وضعیت خانواده و بهبود روابط زوجین در این کانون است.

قرآن کریم تحکیم خانواده را بر اساس ارتباط صحیح بین همسران استوار کرده و در این راستای التزام به تعهدات و لوازم پیوند زناشویی، برای هر یک از ایشان حقوق و وظایف متقابل که ریشه در فطرت، باورها و روحیاتشان دارد، مقرر داشته است. از قرآن کریم استفاده می‌شود مودت و تعهد به میثاق همسری فقط یک توصیه‌ی ساده‌ی اخلاقی

نیست که همسران به آن ملتزم باشند بلکه برآیندی از کنش‌های مختلف و متقابل همسران است که متأثر از باورها، گرایش‌ها و رفتارهای آنان و تربیت خانوادگی و وضعیت فرهنگی و اجتماعی است که همسران در آن زندگی می‌کنند. قرآن کریم، به‌عنوان برترین نسخه‌ی زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، بخشی از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران اختصاص داده است. رجوع به این آیات الهی، می‌تواند انسان را جهت دستیابی به عالی‌ترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند. با توجه به آنچه گذشت، محورهای موردبحث در پژوهش حاضر عبارت است از:

الف. بررسی و معناشناسی آیه قرآنی میثاق غلیظ و تحلیل مفهومی آن با استناد به دیدگاه‌های مفسران جهت تبیین جایگاه والای پیمان زناشویی و ضرورت وفاداری به آن. ب. بررسی دو عنصر ایمان و باورهای مذهبی و معاشرت به معروف به‌عنوان مؤلفه‌های بنیادین و مؤثر در فرآیند وفاداری همسران به میثاق استوار ازدواج.

عنوان میثاق غلیظ ۳ مرتبه در قرآن کریم در آیات ۲۱ و ۱۵۴ نساء و آیه ۷ احزاب به‌کاررفته و به ترتیب در مورد پیوند زناشویی، پیمان شدید خداوند از بنی‌اسرائیل و نیز از انبیاء عظام به‌ویژه پیامبران اولوالعزم است. عنوان میثاق غلیظ فقط بر پیمان ازدواج اطلاق شده و از آنجاکه واژه‌ی میثاق بر استواری و وثوق دلالت دارد و به پیمانی اطلاق می‌شود که با گونه‌ای وثیقه و سوگند، موثق و مؤکد شده و وصف غلیظ نیز بر شدت، صلابت و استواری پایدار دلالت دارد و به‌نوعی مفهوم میثاق را تأکید می‌کند، بنابراین ترکیب وصفی این دو واژه و کاربرد آن بین پیمانه‌ای مردمی فقط در پیوند ازدواج، دلالت دارد که از دیدگاه قرآن کریم میثاق همسری و پیمان زناشویی از استوارترین و ارزشمندترین پیمان‌های بشری است. از آنجاکه فلسفه‌ی اصلی میثاق و تأکید پیمان افزایش میزان وفاداری به آن و پیشگیری از پیمان‌شکنی است، کاربرد عنوان میثاق غلیظ در ازدواج می‌تواند به‌ضرورت فوق‌العاده وفاداری به پیمان همسری و التزام همه‌جانبه به لوازم آن اشاره داشته باشد.

دیدگاه مفسران در تبیین معنای میثاق غلیظ

عنوان میثاق غلیظ در مورد پیمان ازدواج فقط در آیه‌ی ۲۱ سوره نساء بکار رفته است: «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» که در آن از مردانی نکوهش شده که پس از طلاق دادن همسرانشان به گناه و بهتان رو می‌آورند تا مهریه‌ای که داده‌اند باز پس گیرند. خداوند برای تحریک عواطف انسانی چنین افرادی و بازداشتن آن‌ها از ستم می‌فرماید: «و چگونه آن‌ها می‌ستانید بآنکه از یکدیگر کام گرفته‌اید و آنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند؟» از دیرباز بین مفسران در تبیین میثاق غلیظ در آیه‌ی موردبحث دو دیدگاه محوری مطرح بوده است.

الف- مقصود از میثاق غلیظ، عقد شرعی ازدواج است که از ایجاب و قبول تشکیل شده و با الفاظ و عبارات خاصی بین زوجین ردوبدل می‌شود (مغنیه ۱۴۲۴: ج ۲، ص ۲۸۳؛ شوکانی ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۵۰۸) این دیدگاه با روایتی از امام محمدباقر (ع) تأیید می‌شود که آن حضرت در تفسیر آیه فرمودند:

«الميثاق هي الكلمة التي عقد بها النكاح»؛ «مقصود از ميثاق الفاظی است که نکاح با آن بسته می‌شود» (کلینی ۱۳۶۵: ج ۵، ص ۵۶۰) و در ادامه با تعبیری کنایی به رابطه‌ی زناشویی اشاره فرمود که موجب تثبیت بیشتر ازدواج می‌شود.

از دیدگاه علامه طباطبایی، مقصود از ميثاق غلیظ، علاقه‌ی زوجیت و پیوند همسری است که با عقد پدید می‌آید (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۲۵۸) مفسرانی که ميثاق غلیظ را به عقد ازدواج تفسیر کرده‌اند، عقد را به اعتبار آن که پیوند همسری با آن ایجاد می‌شود لحاظ نموده‌اند.

ب- گروهی از مفسران معتقدند مقصود از ميثاق غلیظ پیمان و تعهدی است که هنگام عقد ازدواج از مرد گرفته می‌شود که زن را به شایستگی نگه دارد (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۴۲) و در نقل‌های تاریخی نیز تصریح شده که چنین تعهدی - به صورت شرط عقد یا با سوگند - از زوج گرفته می‌شده (طبری ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۲۱۶) و امام صادق (ع) نیز فرمودند: «هرگاه مردی بخواهد با زنی ازدواج کند بگوید: به ميثاق نگه داشتن همسر به شایستگی یا رها ساختن او به نیکی که خداوند گرفته اقرار نمودم» (کلینی ۱۳۶۵: ج ۵، ص ۵۰۲)؛ بنابراین غلیظ بودن (شدت و استواری) چنین پیمانی به خاطر قرار گرفتن آن در ضمن عقد یا انضمام آن به سوگند یا اقرار نمودن زوج به آن در هنگام خواندن عقد می‌باشد.

به نظر می‌رسد این دیدگاه نیز با دیدگاه اول سازگاری دارد، زیرا ميثاق غلیظ می‌تواند به عقد ازدواج اشاره داشته باشد که مفاد آن پیوند زناشویی است و همه‌ی آثار شرعی و عقلایی موردنظر بر آن مترتب می‌شود و یکی از آثارش مضمون آیه‌ی مذکور است که مرد با همسر خود به شایستگی زندگی کند (فضل‌الله ۱۴۱۹: ج ۷، ص ۱۶۷)؛ بنابراین ازدواج با توجه به همه‌ی آثار و لوازمش ميثاق غلیظ به شمار می‌آید.

حال این پرسش به ذهن می‌آید که چرا از بین همه‌ی عقود و پیمان‌های بشری فقط ميثاق غلیظ در مورد ازدواج به کاررفته است؟ در پاسخ باید گفت: خداوند با قداستی که به عقد ازدواج بخشیده، آن را از عقود دیگر ممتاز نموده تا جایی که گفته‌اند عقد ازدواج به عبادات نزدیک‌تر است تا عقود و پیمان‌ها. پیامبر اسلام (ص) نیز فرمودند: «من تزوج أحرز نصف دینه» (کلینی ۱۳۶۵: ج ۵، ص ۳۲۸). این حدیث که ازدواج را موجب حفاظت نیمی از دیانت می‌شمرد، نکاح را در چهره‌ی ملکوتی‌اش می‌بیند و آن را عبادت می‌داند (جوادی ۱۳۸۷: ج ۱۸، ص ۲۶۶). افزون بر اینکه هر یک از روابط و مناسبات انسانی برقرار بین دو نفر به یکی از ابعاد زندگی طرفین مربوط می‌شود، در صورتی که رابطه‌ی همسری تداعی‌کننده‌ی نوعی پیوند روحی و بدنی در همه‌ی ایام زندگی مشترک و در همه‌ی امور خرد و کلان می‌باشد - به گونه‌ای که بر اساس آموزه‌ی قرآنی «هنّ لباس لکم و أنتم لباس لهنّ» (بقره: ۱۸۷)؛ همسران جامه‌ی یکدیگرند، یکدیگر را می‌پوشند و در لباس شخصیت دیگری داخل می‌شوند - همین امر موجب تأثیرگذاری گسترده و ژرف بر همدیگر در مسیر زندگی مشترک می‌شود (فضل‌الله ۱۴۱۹: ج ۷، ص ۱۶۷).

۱) ایمان و باورهای دینی

از دیدگاه قرآن کریم «ایمان و باورهای اصیل توحیدی» از مؤلفه‌های اساسی در وفاداری به میثاق همسری است که هم در انعقاد این پیمان هم در استمرار و بقاء آن ضرورت دارد. در آیه: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»؛ «و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند. قطعاً کنیز باایمان بهتر از زن مشرک است، هرچند (زیبایی) او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند. قطعاً برده‌ی باایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است، هرچند شما را به شگفت آورد» (بقره: ۲۲۱). تأکید شده که ایمان و باورهای دینی از شرایط لازم برای بستن پیمان همسری است و فردی که باورهای شرک‌آلود دارد هرچند ثروت، قدرت، زیبایی، موقعیت اجتماعی و شرافت خانوادگی او خیره‌کننده و شگفت‌آور باشد، صلاحیت ازدواج با فرد باایمان را ندارد. در ادامه‌ی آیه‌ی مذکور حکمت تحریم ازدواج مسلمانان با مردان و زنان مشرک را این‌گونه بیان می‌فرماید «...آنان (شمارا) به‌سوی آتش فرامی‌خوانند و خدا به‌فرمان خود، به‌سوی بهشت و آمرزش می‌خواند...»، مقصود آن است که آن‌ها به انحرافات عقیدتی و گناهایی که موجب ورود در آتش دوزخ است فرامی‌خوانند و خداوند به ایمان و طاعت الهی که موجب آمرزش و ورود در بهشت است دعوت می‌کند (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۵۶۱)، روشن است که این آیه به تأثیرگذاری عمیق و مستمر باورهای دینی همسران در ابعاد مختلف زندگی و سعادت و شقاوت یکدیگر اشاره دارد.

از آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهْجَرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَ...»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون زنان باایمان مهاجر، نزد شما آیند آنان را بیازمایید، خدا به ایمان آنان داناتر است. پس اگر آنان را باایمان تشخیص دادید، دیگر ایشان را به‌سوی کافران بازنگردانید. نه آن زنان بر ایشان حلال‌اند و نه آن (مردان) بر این زنان حلال». (ممتحنه: ۱۰) نیز استفاده می‌شود زنانی که به مرکز اسلام هجرت کرده‌اند و ایمان آن‌ها احراز شده، به بلاد شرک و کفر برگشت داده نمی‌شوند چراکه نکاح آن‌ها فسخ و پیوند همسری آن‌ها با شوهران کافرشان منقطع شده و نیاز به طلاق هم ندارند (همان: ص ۴۱۲). با توجه به دو آیه‌ی مذکور اثبات می‌شود که ایمان و باورهای مذهبی از شرایط اصلی برای پیمان همسری و استمرار آن است.

۲) عفت و پاک‌دامنی

عفت از فضایل انسانی و عبارت است از حاصل شدن حالتی برای نفس آدمی که به‌وسیله‌ی آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود (راغب اصفهانی: ۳۳۹)؛ بنابراین عفت نیروی درونی است که آدمی را در اعمال تمایلات جنسی

تعدیل کرده و از پلیدی‌های شهوت مصون می‌دارد. از منظر قرآن کریم یکی از شاخصه‌های مؤمنین عفت و پاک‌دامنی است. قرآن کریم عفاف زن و مرد را این‌گونه بازگو می‌کند: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰) وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا... (۳۱) «ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت با زنان) محفوظ دارند... و ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ بدارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر میشود بر بیگانه آشکار ن سازند»... (نور: ۳۰ و ۳۱) بر اساس این آیه یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های پارسایی جنسی و عفت در مردان چشم فرو نهادن نسبت به زنان نامحرم و حفظ فروج از گناه جنسی و در زنان نیز چشم فرو هشتن نسبت به مردان و پوشیدن روی و موی و سایر اعضای بدن است. به تعبیر دیگر قرآن کریم یکی از سازوکارهای کنترل غرایز را در عفت نگاه و نظر می‌داند. قرآن کریم در آیه‌ی دیگری عفت در بیان را این‌گونه متذکر می‌شود: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲). اگرچه خطاب این آیه زنان پیامبر است مع الوصف می‌توان از آن دریافت که نرم سخن گفتن با نامحرم در تعلیمات اسلامی رفتار بیانی پسندیده‌ای نیست. همچنین قرآن در آیه‌ی دیگر عفت در پوشش را بیان می‌کند «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ...» (نور ۳۰-۳۱) مصالح اجتماعی و فردی انسان اقتضا دارد که روابط مرد و زن تحت کنترل و با ضوابط و معیارهایی انجام شود. با تشکیل خانواده نسل انسان حفظ می‌شود و زمینه‌ی رشد عواطف، عشق، محبت، فضایل انسانی فراهم می‌شود؛ بنابراین عفت در ابعاد مختلف از جمله سازوکارهایی است که تجربه و وفاداری زوجین در نهاد خانواده را تمهید می‌کند.

علاوه بر آیات، روایات نیز متضمن آموزه‌های فراوانی است که زنان و مردان مؤمن را بر پرورش فضیلت عفت رهنمون می‌شود: هشام بن سالم از عقبه روایت می‌کند که امام صادق (ع) فرمودند: «نگاه تیری مسموم از ناحیه‌ی شیطان است، پس هرکسی آن را به خاطر خدا ترک کند و نه به خاطر دیگری، خداوند به او امنیت و ایمان عطا فرموده و طعم آن را می‌یابد» (حر عاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۱۹۲، ح ۲۵۳۹۹). روایت هشام از اطلاق برخوردار است و شامل زنان و مردان می‌شود. در روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل شده که آن حضرت فرمودند:

هر کس نگاهش به زنی افتد سپس چشمش را به آسمان بالا ببرد یا آن را ببندد، هنوز چشم به هم نزده خداوند حورالعینی را به او تزویج می‌کند (همان ص ۱۹۳، ح ۲۵۴۰۳). در این روایت مردان به پارسایی در نظر به زنان ترغیب شده‌اند. تعلیمات اسلامی پارسایی در نگاه را از عوامل مهم امنیت و توسعه‌ی ایمان تلقی می‌کند و از نتایج مهم آن در پیمان زناشویی، وفاداری و اعتمادسازی است. پارسایی در نظر موجب می‌شود که یک زن عفیف در اعماق قلب شوهرش جای گیرد و یک مرد عفیف نیز متعهد همسرش می‌شود. زن برای اثبات وفاداری خود به همسرش و حتی با این نگرش که ممکن است همسرش از رفتارها و نگاه‌ها و حرف زدن‌های بی‌مورد او در برابر نامحرم ناراضی باشد

روشن و آشکار نمی‌شود؛ و لذا به اشتباه، گاهی دختر می‌گوید: این پسر عاشق من است، چطور؟ چون هرچه می‌گوییم، جوابش مثبت و همراه من است و به عکس، گاهی پسر نسبت به دختری چنین نظری دارد. چون این مرحله و زمانی است که آن‌ها می‌خواهند به نحوی بر سر همدیگر شیره مالیده و به نوعی رضایت همدیگر را جلب کنند در صورتی که بعد و در میدان عمل وزندگی بسیاری از آن‌ها جور دیگری جلوه می‌کند. لذا مواظب باشید و از روی شکل و گفتگوهای به ظاهر عاشقانه و مقطعی و بستنی خوردن در پارک، انتخاب همسر نکنید. البته این مسئله هم در امر لباس و ازدواج هست که انسان هر لباسی را که انسان دوست دارد، معنایش این نیست که مفید هم خواهد بود. ممکن است مفید نباشد. این عمومیت و کلی نیست که هر چه انسان آن را دوست می‌دارد حق و مفید است.

انسان، بالباس هویتش عوض نمی‌شود. آری! زن و شوهر لباس هستند؛ اما اگر بنده لباس سرلشکری را بپوشم، سرلشکر می‌شوم؟ و اگر یک ارتشی، لباس سپاهی و یا روحانیت را بپوشد، سپاهی و روحانی می‌شود؟ مثلاً: بعضی از جوان‌ها می‌گویند: که از فلان فامیل می‌خواهم دختر بگیرم. یا پدرزن من فلانی باشد، به خیال اینکه این کار و حرکت، شخصیت می‌آورد! حال! اگر پدرزن، فلان آیت‌الله، استاندار، شخصیت کشوری و فامیل مشهور و نامدار شد، شخصیت ما هم عوض می‌شود؟!

لباس همیشه و آن به آن، نیاز به شست‌وشو ندارد. مثلاً گاهی لباس گرد گچ گرفته، با یک تکان دادن، پاک می‌شود. بسیاری از مواقع در مشکلات و اختلافات، نیاز به دادگاه نداریم و با یک تکان، با یک محبت، موعظه، تلفن، نامه و عذرخواهی حل می‌شود. مثلاً: باینکه لباس نمازگزار باید پاک باشد اما شرع مقدس اسلام خود می‌فرماید: در حد یک قطره و یا بندانگشت از خون خود انسان اگر به لباس باشد، اشکالی ندارد؛ یعنی؛ اینجا گیر به یک قطره ندهید. نمازی که ارتباط با خداست، می‌فرماید: یک قطره خون اشکالی ندارد.

لذا گاهی زن و یا شوهر و همسری، عیب کوچک و قابل گذشت و چشم‌پوشی دارد، تحمل کنیم، در این گونه موارد بزرگ‌ترها، افراد محترم، عاقل‌تر، باسوادتر، محبوب‌تر و به قول معروف، ریش سفیدها باید با کدخدا منشی قصه را حل کنند و نگذارند این‌ها به دادگاه و پرونده کشیده شود. انتقال بیماری از طریق لباس. همان‌طور که گاهی لباس میکروب و بیماری را منتقل می‌کند، همسر بد هم گاهی اخلاق فاسد را، حتی به فامیل، منتقل می‌کند.

گاهی جنس لباس خوب و ابریشمی است. ولی دوختش خوب نیست. فرد، انسان حلال‌زاده ولی عملش خوب نیست.

۸) ریاست مرد و تمکین زن

خداوند متعال در آیهی «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (نساء: ۳۴) با نسبت دادن قوامیت به مردان، فصل حقوقی وسیعی را در کانون خانواده می‌گشاید و تکلیف سنگینی بر دوش مردان بار می‌کند. در تفسیر این معنا، دو محور مورد بحث است: یکی وظایفی که طبق آیهی مربوطه برای مردان تعیین می‌شود و دیگری، جایگاه و موقعیتی که مرد بر حسب این وظیفه در خانه کسب می‌کند و محدوده‌ی ولایت و اختیارات اوست.

در محور اول اختلافی وجود ندارد و همگان مرد را موظف به انجام اموری چون تأمین نفقه‌ی خانواده، مراقبت و حمایت همه‌جانبه از خانواده می‌دانند؛ اما در محور دوم، اختلافاتی که ناشی از تعبیر مفسرین از کلمه‌ی «قوام» است، وجود دارد. آیه‌ی کریمه، با دو عبارت «بما فضل الله بعضهم علی بعض» و «بما انفقوا من اموالهم»، تقریباً دو دلیل یا دو مصلحت برای قوامیت مرد ذکر می‌کند. بااین وجود، تفسیر این دو عبارت و برداشت‌های دیگر از آیه، زمینه‌ی تعبیر چندگانه‌ای را فراهم می‌کند که ذیل تفسیر آیه در منابع ذکر شده است؛ اما نتیجه اختلافات و مباحث در مجموع آن است که صاحب‌نظران در «قوامیت مردان در خانواده» در دو امر اشتراک نظر دارند:

اول: قوامیت مرد، در حد وظیفه مندی او در خانواده است؛ یعنی ریاست خانواده، در حد فراهم آوردن زمینه‌ی حفظ و تعالی آن برحسب مصلحت خانواده است و به‌هیچ‌وجه، تحکم، زورگویی و قلدری را برای او تجویز نمی‌کند. در حقیقت، حاکمیت یا حکومت و ریاست مرد را می‌پذیرد، اما تحکم و دیکتاتوری وی را خیر.

دوم: گرچه برخی برتری جسمی یا حتی عقلی مردان را ملاک مکلف شدن آنان از جانب خداوند در امر ریاست خانواده می‌دانند، اما هیچ‌یک این برتری را به معنای برتری حقیقی، یعنی افضلیت ذاتی مرد نزد خداوند و مأجور بودن بیش از زن را قبول ندارند.

اگر طبق آیه‌ی قرآن، «قوامیت» در خانواده به مرد سپرده می‌شود، این مسئولیت تفسیری شخصی یا تاریخی را بر نمی‌تابد تا حاکمیت مرد بر خانواده، طبق سلیقه‌ی فردی صورت گیرد؛ بلکه این ریاست صرفاً سمتی است که وظایف بسیار مهمی را بر عهده‌ی مرد می‌گذارد. اولین وظیفه‌ی مرد، برپایی و رعایت اصل معروف در خانواده است؛ یعنی قبل از آن که مردان مسئولیت قوامیت بر زنان را بپذیرند، مأمور به فرمان «قل امر ربی بالقسط» (اعراف، ۲۱) می‌باشند و مهم آن است که برپایی قسط در خانواده توسط مردان، حداقل وظیفه آنان در برقراری روابط در خانواده خواهد بود و باید آن را تا حد تعالی از «حسن معاشرت»، تعالی بخشند. «این مدیریت، فخر معنوی نیست، بلکه یک کار اجرایی است و این چنین نیست که آن کس که رئیس یا مسئول شد و قوام شد، به خدا نزدیک‌تر باشد؛ آن فقط یک مسئولیت اجرایی است.» (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ص ۳۶۷)

سپردن این وظیفه به مردان، نه به دلیل بالاتر بودن شخصیت انسانی آنهاست و نه به سبب امتیاز آنها در جهان دیگر؛ زیرا آن صرفاً بستگی به تقوا و پرهیزگاری دارد. همان‌طور که شخصیت انسانی یک معاون از یک رئیس ممکن است در جنبه‌های مختلفی بالاتر باشد؛ اما رئیس برای سرپرستی کاری که به او محول شده، از معاون شایسته‌تر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۳، ص ۴۱۳) «بنابراین، اگر اسلام به زن دستور تمکین و به مرد اختیار سرپرستی می‌دهد، تنها بیان وظیفه است و هیچ‌یک نه معیار فضیلت است، نه موجب نقص... نظام آفرینش استعدادهای متقابل و مخالف می‌طلبد و این تفاوت هم برای تسخیر دوجانبه و متقابل است، نه تسخیر یک‌جانبه و این تسخیر نشانه فضیلت نیست، بلکه معیار فضیلت در چیز دیگر است که آن تقرب الی الله است.» (همان، ص ۳۶۵)

در اینجا با پرهیز از بحث‌های اجتماعی پیرامون این موضوع، این نکته قابل ذکر است که در هر صورت زندگی انسان باید در یک چارچوب مدون و مشخص، با تعیین دقیق وظایف، حدود، تکالیف و اختیارات اداره شود. در محدوده‌ی خانواده که کوچک‌ترین واحد جامعه است، باید برحسب استعداد، روحیات و ظرفیت افراد، تقسیم وظایف شود. خداوند این تقسیم‌بندی را در خانواده با واگذاری ریاست آن به مرد و تمکین به زن قائل شده است که گرچه به ظاهر جانب مردان را گرفته است، لکن در یک نظام جامع حقوقی، با ملاحظه همه‌ی جوانب و نتیجه نهایی، عدالت به طور دقیق رعایت شده است؛ به شرط آن که مرد و زن در محدوده‌ی الهی گام بردارند.

خانواده محفلی است روحانی که اگر همه‌ی اعضا موظف به وظایف خود و متعهد بر رعایت حقوق دیگران باشند، به تجلیگاه اراده‌ی حق، مظهر یگانگی و توحید عملی تبدیل خواهد شد. حسن معاشرت مرد با زن، تمکین و مدارای زن، تربیت فرزندان، اطاعت فرزندان و... همان هدف کلی از خلقت «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (ذاریات، ۵۶) را در این فضای ملکوتی محقق خواهد کرد. زن در این محیط است که می‌تواند در سایه‌ی جهاد اکبر (جهاد المرأه، حسن التبعل)، زمینه تعالی خود، تربیت فرزندان و نسل‌های توحیدی را فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سبک زندگی همسران، مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌های آنان در ارتباط با یکدیگر است. از آنجاکه در اسلام برای تشکیل خانواده و ادامه و پویایی آن، استانداردهایی معرفی شده است که مطابق با فطرت همه انسان‌هاست؛ لذا آشنایی با این استانداردها، موجب می‌شود تا هر فرد، معیارها و گزینه‌های جدیدی برای شکل‌گیری سبک زندگی خود در ابعاد مختلف از جمله در زمینه اخلاق همسرمداری و طریقه عشق‌ورزی به همسر، بکار گیرد. بدین ترتیب محبت و مهربانی به همسر یکی از راه‌کارهای اساسی در شیرینی و شادکامی زندگی زناشویی و یکی از آموزه‌های اخلاقی قرآن در سبک زندگی همسران است. مطابق با این آموزه‌ها، عاطفه و محبت بر انسان به حدی تأثیرگذار است که می‌تواند باعث تغییر نگرش و تغییر رفتار او نسبت به مسائل شود، محبت و ایثاری که قرآن بانام‌های مودت و رحمت، در کنار یکدیگر و باهم نام می‌برد، می‌تواند اشاره به همین مسئله باشد که محبت و انس قلبی دوجانبه در زندگی زناشویی، می‌تواند سرانجام به جایی برسد که دیگر طرفین منتظر بازخورد از یکدیگر نباشند، بلکه با جان و دل و از سر ایثار، رحمت و شفقت خویش را به زندگی زناشویی عرضه دارند تا کانون گرم خانواده خویش را همچنان محکم و استوار نگاه‌دارند.

به عبارت دیگر، قرار گرفتن دو فرد با دو شخصیت و دو تربیت در کنار یکدیگر برای زندگی مشترک، نیازمند جوشش پیوسته مودت و رحمت است؛ و این جوشش زمانی مفید است که در صورت‌های گوناگون خود را نشان دهد؛ بر زبان و گفتار، در سلوک و رفتار و درکنش‌ها و واکنش‌ها.

در زندگی مشترک، ابراز علاقه و محبت نه فقط جلوه دوستی و پیوند درونی دارد، بلکه مایه نزدیکی بیشتر و تأمین نیازهای اساسی و امنیت خاطر و آرامش روابط است. روابط محبت مدار در زندگی خانوادگی، فضایی سالم و امن و

پرنشاط برای زن و مرد فراهم می‌آورد و سبب می‌شود تا هریک از آن‌ها به یاد داشته باشند که دوست ندارند همان‌گونه که دوست داشته می‌شوند.

در این میان آنچه آموزه‌های اسلامی بر آن تأکید دارند عشق‌ورزی، نه فقط بر اساس داشته‌های ظاهری و جسمانی طرف مقابل، بلکه بر مبنای ویژگی‌های معنوی و تناسب روحانی است که ظاهر و جسمانیت را هم تحت پوشش خود قرار می‌دهد و در مسیر کمال، انسان را به عشق الهی پیوند می‌دهد.

منابع

قرآن

ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) ۱۳۹۰. من لا یحضره الفقیه، تحقیق حسن موسوی، تهران، دارالکتب الاسلامی.

ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۲۲ ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: داراحیاء التراث العربی

ابن عربی، محی‌الدین (بی‌تا)، الفتوحات المکیه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم ۱۳۸۸ ق. لسان العرب، بیروت، دار صادر.

بهشتی، احمد، ۱۳۷۷، خانواده در قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی

جوادی آملی، عبدالله ۱۳۸۷. تسنیم، قم، اسراء

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۶۹، زن در آئینه جمال و جلال، تهران، رجاء

حر عاملی، محمد بن حسن ۱۴۲۴ ق. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، موسسه آل البيت لإحياء التراث.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی‌تا)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: محمد سعید گیلانی، بیروت: دارالمعرفه

سید قطب، (۱۴۱۵ ق)، فی ضلال القرآن، بیروت: دارالشروق.

سیف، علی‌اکبر ۱۳۹۱، روان‌شناسی پرورشی، تهران: نشر دوران

شوکانی، محمد بن علی ۱۴۱۴. فتح الغدیر، دمشق، دار ابن کثیر

صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم، (بی‌تا)، منتهی الإرب فی لغة العرب، سنایی

طباطبائی، محمدحسین. المیزان، ترجمه‌ی محمدباقر موسوی همدانی، قم، اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن ۱۳۷۲. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر ۱۴۱۲. جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.

عابدی، فدا حسین (۱۳۸۴)، تفسیر تطبیقی آیه مودّت. قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی

فضل‌الله، سید محمدحسین ۱۴۱۹. تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر

- قزائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
- کلینی، محمد بن یعقوب ۱۳۶۵. الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه
- مطهری، مرتضی ۱۳۶۸، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران: انتشارات صدرا
- ملکوتی خواه اسماعیل، ۱۳۹۰، معناشناسی میثاق غلیظ، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۵۲، ص ۱۱۱-۱۴۶
- مجلسی، محمدباقر ۱۴۱۲ ق. بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، لدار احیاء التراث العربی
- میر خانی، عزت السادات ۱۳۸۰، رویکرد نوین در روابط خانواده، تهران، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده
- مکارم شیرازی، ناصر ۱۳۸۶. تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامی.
- مغنیه، محمدجواد ۱۴۲۴. تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامیه
- نقیبی، سید ابوالقاسم، ۱۳۹۰، نقش وفاداری در نهاد خانواده، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۳، ص ۷-۵۳
- نرم‌افزار جامع التفاسیر نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
- هوشنگی، حسین، ۱۳۹۳، جایگاه عشق بین همسران در زندگی اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، شماره دوم، ص ۱۱۷-۱۴۳